



چگونه «روز ملی فناوری هسته‌ای» در تقویم کشور ثبت شد

۲۰ سال تلاش هسته‌ای
۲۰ سال دشمنی غرب

۱۰



گزارش‌های کاربران از گران شدن شدید اینترنت برخی شرکت‌ها خبر می‌دهد

اینترنت را چراغ خاموش گران کردند

۱۱



۴۵۰ میلیون تومان تسهیلات ساخت و ۲۰۰ میلیون تسهیلات برای اسکان موقت به متقاضیان ارائه می‌شود

مانع‌زدایی در ساخت ۱۲۰ هزار واحد مسکونی

۱۲

همیشه برای جامعه

شنبه ۲۰ فروردین ۱۴۰۱ | ۷ رمضان ۱۴۳۳ | سال سی‌ام | شماره ۸۴۷۰



عکس: هشتپوری/اسعدنیاس/پژاد

زوج‌های همسن بیشتر جدا می‌شوند؟

بر اساس گزارش‌های مرکز آمار، تاب‌آوری زوج‌ها در زندگی مشترک رشد مثبت یک‌ونیم‌درصدی داشته است

زوج‌های همسن و سال است و طبعاً آمار طلاق هم بین همین گروه بالا بوده است.

نقش تفاوت سنی در جدایی در همین اعداد ارائه شده از سوی مرکز آمار ایران نشان داده شده است که در سال ۱۳۹۶ مردانی که زیر ۱۵ سال ازدواج کرده‌اند ۴۳ نفر بوده، در حالی که در سال ۱۴۰۰ این عدد به ۱۹ نفر رسیده است. این آمار کاهش دربارۀ زنان نیز صدق می‌کند، اما در اندازه‌هایی بزرگ‌تر؛ یعنی ۳۳ هزار و ۳۸۴ زن کمتر از ۱۵ سال در سال ۱۳۹۶ راهی خانه بخت شده‌اند و این عدد در پاییز ۱۴۰۰ به ۲۵ هزار و ۶۴۶ نفر رسیده است. اما در همین جدول آن دسته که ۴۰ سال به بالا داشته و ازدواج کرده‌اند در سال ۱۳۹۶ در میان مردان ۴۵ هزار و ۲۳۳ نفر بوده و این عدد تا پاییز گذشته به ۴۲ هزار و ۹۳۶ نفر رسیده است. در میان زنان نیز این عدد از ۳۴ هزار و ۶۳۴ عدد ۲۸ هزار و ۶۸۹ نفر در سال گذشته رسیده و افزایش داشته است. این نشان می‌دهد ازدواج در سنین بالا روندی افزایشی داشته است. در جدول طلاق نیز مردانی که در سال ۱۳۹۶ در سن کمتر از ۱۵ سال طلاق گرفته‌اند، یک نفر بوده که این عدد در سال ۱۴۰۰ به صفر رسیده، اما زنان در همین گروه سنی ۴۸ هزار و ۴۸۰ مورد طلاق را به ثبت رسانده‌اند که این عدد در سال ۱۴۰۰ به ۷۳۴ طلاق کاهش یافته است. سال ۱۳۹۶ در گروه سنی بالای ۴۰ سال نیز ۵۲ هزار و ۴۶۴ مورد طلاق گرفته‌اند که این عدد پاییز ۱۴۰۰ به ۵۹ هزار و ۵۹۶ رسیده و زنان بالای ۴۰ سال هم به نسبت سال ۱۳۹۶ که ۳۲ هزار و ۵۹ مورد طلاق را به ثبت رسانده بودند، در سال گذشته تا پاییز این عدد به ۳۲ هزار و ۸۳۵ رسیده و افزایش داشته است.

میانگین طول مدت ازدواج در ۴ سال گذشته ۱۳۹۶ میانگین طول مدت ازدواج ۹ سال و ۲ ماه ثبت شده است. این آمار را مرکز آمار ایران منتشر کرده و مربوط به آن دسته است که صیغه طلاق بین‌شان جاری شده. اما حالا همین مرکز، میانگین طول مدت ازدواج را در سال ۱۴۰۰ به ۱۰ سال و ۷ ماه رسانده. این به معنای آن است آن دسته که سال‌هاست با هم زندگی می‌کنند و همچنان در کنار یکدیگرند و طلاق نگرفته‌اند در این آمار قرار نگرفته و شامل آن نشده‌اند. نکته قابل توجه این است که اعداد ارائه شده تا پاییز سال گذشته بوده و باید این نکته را مورد توجه قرار داد که با وجود سنسال‌های سخت شیوع کرونا و شرایط سخت اقتصادی، ما با بیشترین میانگین طول مدت ازدواج در ۴ سال گذشته روبرو بوده‌ایم. شاید مهم‌ترین نکته این آمار این باشد که در این سال‌ها زوج‌ها بیش از پیش در صدد تحمل سختی‌های زندگی و یکدیگر بوده و آمار یک‌ونیم‌درصد از ۴ سال پیش رشد مثبت داده‌اند.

مرکز آمار همچنین در جدول دیگری این موضوع را بررسی کرده که همسن و سال‌ها بیشتر از یکدیگر طلاق می‌گیرند و آن دسته که ۱۵ سال اختلاف سنی داشته و مرد بزرگ‌تر از همسرش بوده کمترین آمار طلاق را به ثبت رسانده‌اند. در واقع بهتر است مسئله را اینگونه روشن کنیم که بین کسانی که طلاق گرفته‌اند، کمترین آمار برای ازدواج‌هایی ثبت شده که مردان خیلی بزرگ‌ترند. البته در نظر داشته باشید که بیشترین آمار ازدواج نیز میان

عدد ۱۶ هزار و ۱۱۹ مورد ثبت شده که سال ۱۴۰۰ این عدد تا پاییز ۱۲ هزار و ۸۴۰ مورد بوده است. همین تفاوت سنی بین زوج‌ها در طلاق نیز از ۵ هزار و ۱۸۱ مورد در سال ۱۳۹۶ به ۳ هزار و ۹۱۴ مورد رسیده است.

همسری با حمایت پدرانه اما در جدول طلاق بر اساس طول مدت ازدواج، امری به روشنی دیده می‌شود، و آن هم اینکه هر چه طول مدت ازدواج میان افراد افزایش یابد، آمار طلاق میان آنها کاهش پیدا می‌کند. آن دسته از زوج‌هایی که بیش از ۲۰ سال با یکدیگر زندگی کرده‌اند به شکل محسوسی تحمل‌شان نسبت به یکدیگر افزایش داشته و طلاق میان‌شان کمتر اتفاق می‌افتد. اما ازدواج بیشترین میزان طلاق در ۵ سال اول ازدواج رخ می‌دهد. می‌توان با اطلاعات این جدول این پرسش را مطرح کرد که چرا با همه آگاهی‌بخشی‌ها نسبت به آمادگی و شناخت قبیل از ازدواج، همچنان این‌الگو تغییر نمی‌کند و زنان و مردان در ابتدای زندگی به دل‌زدگی از یکدیگر و جدایی تن می‌دهند؟ ساناز فلاح‌زاده، روانشناس می‌گوید که پیوند ازدواج از پیچیده‌ترین نوع ارتباط انسانی است که بررسی ابعاد متعدد آن سال‌هاست پژوهش‌های فراوانی در رشته‌های مختلف علوم انسانی و به‌طور خاص دانش روانشناسی را به‌خود معطوف کرده است. او می‌گوید: «در نگاه اول آمارها گیج‌کننده به نظر می‌رسد، اما ابتدا به رابطه یا همبستگی میان طول مدت ازدواج و کاهش نرخ طلاق بپردازیم. از دیدگاه نظر به رفتاری، عقلانی و هیجانی، تبیین این موضوع را می‌توان به رشد عقلانی زوجین، افزایش کنترل هیجانی، عادت و یافتن توانایی مواجهه و مقابله با مسائل موجود در زندگی زناشویی، مربوط دانست.» از دیگر سواو به عوامل فرهنگی مانند بزرگ شدن فرزندان و اینکه طلاق تهدیدی برای زندگی زناشویی یا همسرایی آنان خواهد بود، اشاره می‌کند که می‌تواند از دلایل کاهش نرخ طلاق در ازدواج‌های طولانی‌مدت باشد. مسئله دیگر افزایش سن ازدواج‌هایی است که منجر به طلاق شده‌اند و از ۸ سال به ۱۰ سال رسیده است. فلاح‌زاده این موضوع را نشانه خوبی از

افزایش میزان تاب‌آوری افراد و افزایش سواد رابطه میان زوج‌ها می‌داند. اما درباره زوج‌هایی که در آن مردان ۱۵ سال بزرگ‌تر از همسر خود (زنان) هستند باید به‌گونه‌ای با تحلیلی روان‌کاوانه از آن سراغ گرفت. به اعتقاد فلاح‌زاده تحلیل این رفتار را می‌توان ناشی از جامعه‌پدرسالارانه دانست: «پدر مظهر اقتدار و قدرت بوده و در خانواده فردی پیشرو محسوب می‌شود. بنابراین مرکز افراد، جزو ارکان اصلی شخصیت و رفتار آنهاست که به‌وجود فرد قوام و دوام می‌شود زنان با احترام و پیروی بیشتری در سال‌های ابتدایی ازدواج به دلایل مختلفی که ذکر شد، باورهای فرد به‌طور مداوم در معرض تعدی و آسیب‌پذیری می‌گردد و (جدای از درست و غلط بودن یا آگاهانه یا ناآگاهانه بودن) همه تلاش فرد حفظ این باورها و ارزش‌هاست. همین امر فرد را وادار به بقا و مقاومت و حفظ ارزش‌هایی می‌کند که تا پیش از آن با آن زیسته. این موضوع می‌تواند یکی از دلایل طلاق زودهنگام باشد.» در واقع از نظر او در سال‌های ابتدایی ازدواج، صیانت از ذات منجر به جنگ و نهایتاً جدایی خواهد شد.

مقاومت در برابر انعطاف اما چرا در این آمار آن دسته که یک تا ۵ سال از شروع زندگی مشترک‌شان گذشته، در صدر آمار طلاق قرار گرفته‌اند؟ فلاح‌زاده معتقد است: «سال‌های ابتدایی ازدواج نیازمند توان مواجهه و مقابله با امور زیادی است. ازدواج میان انسان‌ها، تنها پیوند میان ۲ فرد نیست،

مقاومت در برابر انعطاف اما چرا در این آمار آن دسته که یک تا ۵ سال از شروع زندگی مشترک‌شان گذشته، در صدر آمار طلاق قرار گرفته‌اند؟ فلاح‌زاده معتقد است: «سال‌های ابتدایی ازدواج نیازمند توان مواجهه و مقابله با امور زیادی است. ازدواج میان انسان‌ها، تنها پیوند میان ۲ فرد نیست، بلکه پیوند میان ۲ خانواده، ۲ فرهنگ و عقیده، ۲ جایگاه اجتماعی و اقتصادی نیز محسوب می‌شود»

طلاق‌ها بر اساس طول مدت ازدواج	۱۳۹۶	پاییز ۱۴۰۰
مدت زندگی مشترک کمتر از یک سال	۱۷۵۲۱	۳۴۹۵
یک تا ۵ سال	۵۷۵۶۱	۱۳۳۰۴
۵ تا ۱۰ سال	۴۲۱۴۵	۱۱۵۶۹
۱۰ تا ۱۵ سال	۲۶۵۹۵	۸۶۹۰
۱۵ تا ۲۰ سال	۱۵۶۹۷	۵۸۳۸
۲۰ تا ۲۵ سال	۷۸۷۸	۲۹۶۷
۲۵ تا ۳۰ سال	۶۵۸۲	۲۱۷۲
بیش از ۳۰ سال	۷۳۲۶	۲۳۲۲

بلکه پیوند میان ۲ خانواده، ۲ فرهنگ و عقیده، ۲ جایگاه اجتماعی و اقتصادی نیز محسوب می‌شود. هر چه تفاوت میان این ابعاد بیشتر و آشکارتر باشد، احتمال توانایی کنار آمدن افراد (خصوصاً هنگامی که آموزش‌های کافی درباره سواد رابطه به آنها داده نشده باشد)، کمتر و نامحتمل‌تر خواهد بود.»

از سویی دیگر باید به این نکته توجه کرد که طبق دیدگاه عقلانی-هیجانی، باورهای مرکزی افراد، جزو ارکان اصلی شخصیت و رفتار آنهاست که به‌وجود فرد قوام و دوام می‌بخشد. این روانشناس می‌گوید: «در سال‌های ابتدایی ازدواج به دلایل مختلفی که ذکر شد، باورهای فرد به‌طور مداوم در معرض تعدی و آسیب‌پذیری می‌گردد و (جدای از درست و غلط بودن یا آگاهانه یا ناآگاهانه بودن) همه تلاش فرد حفظ این باورها و ارزش‌هاست. همین امر فرد را وادار به بقا و مقاومت و حفظ ارزش‌هایی می‌کند که تا پیش از آن با آن زیسته. این موضوع می‌تواند یکی از دلایل طلاق زودهنگام باشد.» در واقع از نظر او در سال‌های ابتدایی ازدواج، صیانت از ذات منجر به جنگ و نهایتاً جدایی خواهد شد.

همچنین می‌توان به این نکته توجه کرد که در چند دهه اخیر با توجه به پیشرفت در فناوری اطلاعات و فراگیر شدن شیوه‌های آموزشی، همچنین غیاب متولی مناسبی برای چگونگی آموزش‌ها باعث شده آموزش‌های غلط به والدین داده شود و منجر به بربورش افراد در ظاهر باطنی شود که صفاتی چون خودشیفتگی و نمایشگری تا حد اختلال درگیرشان کرده است. به‌گونه‌ای که همین امر می‌تواند یکی از دلایل افزایش نرخ طلاق در ازدواج‌های جدید و بافته شود، کمتر از ۵ سال باشد. به قول معروف فرد دیگر طاقت ندارد کسی به او بگوید بالای چشمش ابروست!

فلاح‌زاده با بسط این موضوع به صفت دیگری اشاره می‌کند که بعضی والدین و فرزندان آنها با افتخار از آن یاد می‌کنند، و از دلایل شکست زندگی زوج‌ها محسوب می‌شود؛ وابستگی. او می‌گوید: «هنگامی که محبت با وابستگی اشتباه گرفته شود، شکل سلب مسئولیت، دخالت، و نهایتاً احساس ناتوانی از امور شخصی را به فرد می‌دهد. والدینی که فرزندان خود را با شیوه‌های به‌اصطلاح نوین که سرشار از محبت کلامی و عملی (بی‌شک غیرعقلانه) برای زندگی مشترک آماده می‌کنند، متأسفانه مسیری غلط برای رسیدن به هدف را برگزیده‌اند. همان‌ها که می‌گویند فرزندانم نازک‌تر از گل نشینده و سنگین‌تر از قاشق بلند نکرده! بنابراین با چنین تربیتی انتظار تسلیم، طلاق و بازگشت به زندگی وابسته و افتاح‌کننده نیازهای خودشیفتگی‌وار فرد، آنچنان هم دور از انتظار نخواهد بود.»

عددبازی



۱۴۴ هزار و ۶۷۹

مورد ازدواج تا پاییز ۱۴۰۰ ثبت شده است که نسبت به فصل سال قبل ۷٫۲ درصد افزایش یافته است.



۵۰ هزار و ۳۵۷

مورد طلاق تا پاییز ۱۴۰۰ ثبت شده است که نسبت به فصل سال قبل ۱٫۸ درصد افزایش یافته است.



۳۰

میانگین سن در نخستین ازدواج در مردان شهری در پاییز ۱۴۰۰ بوده است.



۲۵

میانگین سن در نخستین ازدواج در زنان شهری در پاییز ۱۴۰۰ بوده است.



۲۱ هزار و ۶۳۴

بیشترین رویداد طلاق مردان در بازه سنی ۳۰ تا ۳۹ سال در پاییز ۱۴۰۰ بوده است.



۱۸ هزار و ۹۰۰

بیشترین رویداد طلاق زنان در بازه سنی ۳۰ تا ۳۹ سال در پاییز ۱۴۰۰ بوده است.



۲۱۳

مورد طلاق دختران کمتر از ۱۵ سال در پاییز ۱۴۰۰ بوده است.



۸ هزار و ۲۳۵

مورد ازدواج دختران کمتر از ۱۵ سال در پاییز ۱۴۰۰ ثبت شده است.

یادداشت
مهناز اسماعیلی
روانشناس

بهترین سن برای ازدواج وجود ندارد

اختلاف سنی در حقیقت به معنای تفاوت در تجربه‌های زندگی و نقاط وابسته به فرهنگ است و شاید نتوان آن را به‌عنوان یک نسخه ۱۰۰ درصدی برای همگان تجویز کرد. ازدواج با همسن نیز دارای مزایا و معایبی است. البته اختلاف سنی در ازدواج یک امر قطعی نیست و تا حد زیادی به ویژگی‌های شخصیتی افراد و سن عقلی آنان بستگی پیدا می‌کند. از بین رفتن حرمت‌ها می‌تواند به‌دلیل وجود صمیمیتی باشد که بین این‌افراد وجود دارد. در واقع صمیمیت‌های زیادی، می‌تواند افراد را نسبت به هم بی‌حرمت کرده و مرزهای آنها را از بین ببرد. مردها به‌دلیل ناخستگی و بی‌تجربگی در سنین پایین، توانایی اداره کردن زندگی را ندارند و مدیریت کردن آن دچار مشکل می‌شوند. این موضوع می‌تواند باعث شود که زن در زندگی با همان الگوواره هر مرسوم که باید دنبال پشتوانه‌ای برای خود بود، احساس خلأ کند. از آنجایی که زن‌ها علاقه دارند مردشان قدرتمند باشد و بتواند پایه اصلی خانواده باشد و پناهی برای خود و خانواده‌شان محسوب شود، این رابطه می‌تواند که اختلال سنی تا اندازه‌ای برای ازدواج لازم است تا مردها بتوانند شایستگی کافی برای اداره کردن منزل و کارهایی که به آنها محول می‌شود را داشته باشند. زنان معمولاً زودتر از مردان نسبت به روابط زناشویی بی‌میل شده و از آن کناره‌گیری می‌کنند. همین موضوع می‌تواند در آینده باعث بروز مشکلاتی در زندگی زوج‌ها شود. کم‌رنگ شدن شادایی و نشاط زن معمولاً به‌دلیل زایمان، بارداری و شیردهی باعث می‌شود زودتر از مرد شکسته شود و چه بسا محبوبیت خود را نزد شوهر از دست بدهد و این شکستگی ظاهری موجب بروز مشکلات زناشویی باشد.

در ازدواج با همسن اطاعت‌پذیری زن از مرد کمتر خواهد بود، و مرد آن حس اقتدار و تکلیه‌گاه بودن را ندهمسر خود ندارد. همین موضوع می‌تواند زمینه بروز مشکلات را فراهم کند. بهترین سن ازدواج از نظر محققان وجود ندارد و هر فردی در هر سنی که بخواهد می‌تواند ازدواج کند. اما برای ازدواج کردن و تشکیل یک خانواده فرد باید به بلوغ رسیده باشد، زیر در غیر این صورت نمی‌تواند زندگی خوبی برای خودش بسازد. از نظر روانشناسی ازدواج با همسن مشکلی ندارد و موفقیت در این نوع ازدواج‌ها به شرایطی دیگر نیز وابسته است. در ازدواج با همسن بهتر است ابتدا دختر و پسر به بلوغ فکری و عقلی رسیده باشند تا با در نظر گرفتن شرایط، مناسب بودن برای همدیگر را بررسی و ارزیابی کنند. بهترین روش برای دسترسی به آگاهی از این مسئله، مراجعه به مشاور پیش از ازدواج است. افراد متخصص در امر مشاوره پیش از ازدواج با مصاحبه، گرفتن تست‌های متفاوت و بررسی زن و مرد از لحاظ طرز فکر، فرهنگ، اخلاق، نداشتن اختلال‌های شخصیتی و دیگر اختلال‌ها می‌توانند در این راستا کمک کنند باشند. در اصل مشاوره پیش از ازدواج به برجسته‌سازی اجزای اجتماعی، فرهنگی، جسمانی و روانی می‌پردازد و مشخص می‌کند هر دو طرف در چه سطحی از آگاهی و شعور زندگی مشترک قرار دارند. در جامعه نیز نمونه‌های بسیاری وجود دارد که زوج‌های همسن نیز در تشکیل زندگی مشترک و تداوم آن موفق بوده‌اند. بنابراین شخصیت و تربیت افراد در موفقیت ازدواج تأثیر بسزایی دارد.

مثلت عشق استریت‌برگ را نیز می‌توان در اینجا بررسی کرد. این مثلت از اصل تعهد، صمیمیت و هوس تشکیل شده است. به این ترتیب که وقتی که سن پایین‌تر است، مثلاً مردون هر دو ۲۰ ساله هستند، مشکلات زیادی ایجاد نمی‌شود، همسن بودن در این ازدواج‌ها و در این رده سنی ملاک منفی محسوب نمی‌شود چون این افراد فرصت زیادی دارند و می‌توانند پایه‌های همدیگر پیش رفته و زندگی کنند. مشکلات همسن‌ها زمانی است که زوج در سنین بالاتری قرار دارند، مثلاً بالاتر از ۳۰ سال هستند. در واقع زنان بالاتر رفتن سن‌شان از نظر جنسی و بدنی بافت مواجه شده و ممکن است این در زندگی مشکل‌ساز شود و دیگر آنها را گذار نباشد. حال اگر سن زوج به ۴۰ سال برسد که این مشکل نمود بیشتری نیز پیدا می‌کند. چنانچه در آمار مرکز آمار نیز اعلام شده است، یک تا ۵ سال آغاز زندگی، در میان زوج‌های بیشترین آمار طلاق را به‌خود اختصاص داده است. زمانی که زندگی زوج بسیار وابسته به همین رابطه جنسی بوده و اگر دوام می‌یابد نیز بسیار وابسته به کیفیت روابط میان زوج‌ها است. بعد از این مدت زمان است که تقویت زندگی زوج از روی رابطه جنسی به سمت صمیمیت حرکت می‌کند. بنابراین در ابتدای زندگی رابطه جنسی بسیار مهم است، اما به این معنا نیست که ازدواج زودهنگام یا در سن کم خوب است. امری که بنابر آمار به‌دست آمده این است که رابطه جنسی در ۴۰ سالگی به سختی خواهد رسید و با کیفیت بیشتری خواهد شد. ممکن است میل در این سن میان زوج کم باشد، ولی باعث می‌شود که رابطه هم مثل فرد پخته باشد. افراد هم در این سنین به لحاظ مهارتی و هم روانشناختی و به بلوغ و پختگی خواهند رسید. میان نوجوان‌ها و جوان‌ها رابطه جنسی حتی بیش از صمیمیت و نوک این مثلت قرار می‌گیرد. با توجه به این ۲ مولفه در مثلت عشق استریت‌برگ می‌توان انواع مختلف عشق را بیان کرد. برای مثال با فقدان یک مولفه نوع عشق متفاوت از فقدان ۲ مولفه است. مثلت عشق یک مثلت شامل ۳ وجه است و اگر هر کدام این‌وجوه کم یا زیاد شوند نوع عشق متفاوت می‌شود برای مثال اگر در یک رابطه تعهد وجود نداشته باشد آن رابطه یک عشق هوسی است.